



راهکاران ابری
همکاران سیستم



وبینار آنلاین رایگان

نکات مهم در تهیه و تجزیه و تحلیل صورتهای مالی

میزگرد مشترک انجمن حسابداران خبره ایران
و همکاران سیستم





سید محمد باقر آبادی



محمود آل حبیب



امیر ابراهیم زاده



سارا کیانی



علی هدایتی



دانیال محبوب



مزدک کاظم زاده



امیر حسین پور علی

مجموعه همکاران سیستم با همیاری و همکاری انجمن حسابداران خبره ایران، میزگردی با موضوع: «نکات مهم در تهیه و تجزیه صورت‌های مالی» در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ برگزار کرد.

متن گفتگوی میزبان این نشست، سارا کیانی، «مدیر پروژه بازاریابی شرکت همکاران سیستم» با امیر ابراهیم زاده، «عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران و دکتری حسابداری»، محمود آل حبیب، «حسابدار رسمی، مشاور رسمی مالیاتی و شریک مؤسسه حسابرسی»، سید محمد باقر آبادی، «دبیر کل انجمن حسابداران خبره ایران و حسابدار رسمی»، امیر حسین پور علی، «مدیر فروش راهکاران ابری همکاران سیستم و فارغ التحصیل رشته حسابداری»، مزدک کاظم زاده، «عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران»، دانیال محبوب، «حسابدار رسمی»، علی هدایتی، «عضو و مدرس انجمن حسابداران خبره انگلستان (acca) و منتور رسمی دانشگاه آکسفورد بروکس انگلستان و دکتری حسابداری» تقدیم حضور می‌شود.

سارا کیانی: آقای باقرآبادی، به نظر شما چرا استانداردهای حسابداری مرتبط با صورت‌های مالی دچار تغییر شده‌اند؟

سید محمد باقرآبادی: بحث تغییرات صورت‌های مالی حسابداری را باید ناشی از انقلاب استانداردهای حسابداری دانست. ما طی سه سال گذشته تقریباً تمامی استانداردهای حسابداری را بازنویسی کردیم، این داستان از سال ۹۵ بعد از امضای برجام و حضور شرکت‌های خارجی در ایران و درخواست شرکت‌های خارجی از ما برای تطبیق استانداردهای مالی ایران با استانداردهای بین‌المللی شروع شد. استانداردهای ما در سال ۱۳۷۹-۱۳۸۰ منتشر شده بود. هرچند این استانداردها ترجمه استانداردهای جهانی

بودند ولی با استانداردهای بین‌المللی فاصله زیادی داشت. فاصله اصلی از جایی شروع شده بود که استانداردهای جهانی، پیوسته در حال تغییر بودند؛ در صورتی که استانداردهای ما از زمان تهیه، عمده‌تاً بدون تغییر بودند و به همین دلیل بود که بین صورت‌های مالی، با آن چیزی که در دنیا اتفاق می‌افتاد، یک فاصله بیست ساله وجود داشت. درواقع اگر بگوییم «حسابداری، زبان تجارت است»، ما در حال صحبت با دنیا به زبانی بودیم که می‌توان آن را زبان باستانی نامید و دنیا خیلی متوجه آن نمی‌شد! در این جا زنگ خطر عقب افتادن از دنیا زده شد و رفتیم به سمت تهیه صورت‌های مالی، طبق ifrs و البته بعدها متوجه شدیم که هزینه تهیه آن

برای شرکت‌ها زیاد است. سازمان حسابرسی شروع به همسان‌سازی استانداردها با استانداردهای بین‌المللی کرد تا این فاصله کمتر بشود و شروع این داستان هم با تغییر استانداردهای صورت‌های مالی مثل استاندارد ۱، ۲، ۳۴ و... بود. این موارد در سال ۱۳۹۷ تصویب شد و سال ۱۳۹۸ لازم‌الاجرا شد و این تغییرات گسترده‌ای که در این مدت کم، مشاهده می‌کنید ناشی از این رخوت و عدم تغییر بیست ساله و به‌روزرسانی نشدن استانداردها بود.

سارا کیانی: به نظر شما چند درصد به استانداردهای جهانی نزدیک شدیم؟

باقرآبادی: با تغییراتی که اخیراً در سال ۱۴۰۱ هم داشتیم، می‌شود گفت نزدیک به ۷۰ الی ۸۰ درصد استانداردها به‌روز شده‌اند. چند استاندارد محدود ولی با اثرگذاری زیاد هستند که فعلاً نداریم مثل ابزارهای مالی.



سارا کیانی: پس این مسیر بیست ساله را در سه الی چهار سال طی کردیم.

باقر آبادی: بله. به همین دلیل بود که گفتم از واژه انقلاب استفاده کنیم چون تغییرات آن قدر زیاد بوده است که در واقع می‌توان گفت «تغییر»، واژه کوچکی برای این اتفاق است.

سارا کیانی: آقای هدایتی، اگر امکان دارد برای ما توضیح دهید، تغییرات صورت‌های مالی طی دو الی سه سال گذشته چه بوده‌اند؟

هدایتی: همانطور که اشاره شد شروع تغییر استانداردها از سال ۱۳۹۷ بود و عمدتاً استانداردهای افزایشی بودند؛ یعنی استانداردهایی که نحوه گزارش‌دهی را مشخص می‌کردند. به موجب استانداردهایی که در سال ۹۷ تصویب و اوایل سال ۹۸ لازم‌الاجرا شد، شکل استانداردهای مالی و صورت‌های مالی شبیه استانداردهای جهانی شد. مثلاً از ترازنامه‌ای که به فرمت تی تهیه می‌شد، به حالت گزارشی رفتیم و به آن، نام صورت وضعیت مالی را دادیم. البته در دنیا هنوز به آن *balance sheet* هم گفته می‌شود اما در ایران باید بگوییم صورت وضعیت مالی و به همان فرمت گزارشی تهیه کنیم. به این دلیل که ترازنامه، تداعی‌کننده دو طرفه بودن حسابداری و برابر بودن بدهکار و بستانکار است درحالی‌که هدف این فرم جدید، یکسان نشان دادن اینها نیست بلکه هدف گزارش وضعیت صورت‌های مالی در یک

نقطه مشخص است. صورت‌های مالی، نمونه‌ای هم که در ایران ارائه می‌شود به واسطه این تغییرات، تغییر کرد. اول، بورس و کمیته فنی سازمان حسابداری آن را تأیید کرد و سپس ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ هم سازمان، خودش یک نمونه ابلاغ کرد. صورت‌های مالی نمونه، لازم‌الاجرا نیستند در صورتی‌که استانداردهای حسابداری لازم‌الاجرا هستند. به‌عنوان نمونه در طبقه‌بندی دارایی‌ها در صورت‌های مالی نمونه که در اختیار دارید، اول دارایی‌های جاری را ارائه دهید و بعد سراغ دارایی‌های غیر جاری بروید و در طبقه‌بندی دارایی‌ها، آنهایی که دیرتر خارج می‌شوند را زودتر گزارش می‌دهید. مثلاً وجه نقد در طبقه آخر دارایی‌های جاری در آخر، گزارش می‌شود. طبق روند، شرکت‌ها این اختیار را دارند که همچنان، اول دارایی‌های جاری را ارائه دهند. صورت‌های مالی نمونه، لازم‌الاجرا نیستند. از ویژگی‌های استانداردهای حسابداری، انعطاف‌پذیری آن است؛ همه قرار نیست یکسان گزارش کنند. این مسئله، ثبات رویه را مخدوش نمی‌کند اما جاهایی انعطاف‌پذیری‌هایی برای ما ایجاد کرده است. می‌شود صورت وضعیت مالی را سه ستونه ارائه کرد. اشتباهی که بیشتر تکرار می‌کنیم این است که هر بار تجدید وضعیت مالی را داریم نباید صورت وضعیت مالی را سه ستونه گزارش می‌کنیم؛ زمانی باید سه ستونه گزارش‌دهیم که ما تغییرات سنواتی یا یک تغییر رویه با تسری به گذشته داشته باشیم که مربوط به دوسال یا قبل‌تر باشد. این رویداد، اثر

زیادی بر مانده‌های اول دوره مقایسه‌ای یعنی برای دو سال قبل‌تر دارد. این تغییراتی بوده است که در صورت وضعیت مالی رخ داده است.

در شکل گزارش‌گیری که در سال ۹۸ صورت وضعیت مالی ارائه کرد، مالیات سال جاری و سال‌های قبل را در هزینه مالیاتی در متن صورت سود و زیان تفکیک کرد. در بین‌الملل ما این کار را در یادداشت انجام می‌دادیم. صورت وضعیت مالی ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ سازمان، این را دوباره در یادداشت گذاشته است. یک استاندارد چنجالی در سال ۹۷ تصویب شد،





نمی‌کنیم یا شناخت کافی نداریم، بحث «تهیه حساب» است؛ فرایندی که خود، یک پروژه زمانی قابل توجهی را شامل می‌شود.

توصیه من به جوانان این است که «تهیه حساب» را یاد بگیرند چرا که تا این تهیه حساب انجام نشود نمی‌توانیم درباره بقیه موارد صحبت کنیم. من باید تهیه حسابم را انجام بدهم تا بعد سوار صورت مالی بشوم و در مرحله سوم بتوانم نظارت و کنترل داشته باشم که گاهی این نظارت توسط حسابرس در شرکت‌های بزرگ انجام می‌شود. ما توصیه می‌کنیم شرکت‌های کوچک هم به این مرحله برسند یا در غیر این صورت این وظیفه را به مشاوران محول کنند. مرحله بعد، چکش‌کاری صورت‌های مالی است. این مراحل، بسیار مهم هستند.

باید دید یک حساب چطور تهیه می‌شود تا عدد در صورت مالی بنشیند. این عدد که در صورت‌های مالی می‌نشیند باید به یک جایی قلاب شود. حالا در نظر می‌گیریم که آیا

می‌گیرند. ما در ایران تا سال ۱۴۰۰ استانداردنداشتیم که برای ما تجزیه و تعدیل طبقه‌بندی انجام بدهد. در این سال استاندارد ۱۶ ما تغییر کرد و تجدید نظر شد و معادل IAS شماره ۲۱ شد و به موجب آن تأثیر ارز عملیات خارجی، تعدیل تجدید طبقه‌بندی برای ما ایجاد می‌کند.

همچنین استاندارد ۳۷ هم خیلی در افشای ریسک‌های ابزارهای مالی اثرگذار بود. راجع به ابزارهای مالی بحث‌های زیادی مطرح است. در استاندارد ۳۶ و ۳۷ درباره افشای آن بندهایی داریم اما رهنمودی در ارتباط با شناخت و اندازه‌گیری آنها نداریم. همانطور که آقای باقرآبادی فرمودند IFRS 9 این کار را انجام می‌دهد.

سارا کیانی: آقای آل حبیب به نظر شما مهم‌ترین نکاتی که الآن برای تهیه صورت‌های مالی باید رعایت شود چه نکاتی هستند؟

آل حبیب: یکی از موارد اصلی که ما در تهیه صورت‌های مالی رعایت

آن هم استاندارد ۳۵ معادل IAS 12، که به‌کارگیری آن سخت است و خیلی هم در مورد آن صحبت کردیم. به موجب این استاندارد، افشاهایی بیشتر از آن چیزی که ما انجام می‌دهیم نیاز است.

کلاً رقم مالیات را باید به رقم مالیات جاری و انتقالی بشکنیم. این استاندارد بر روی افشائات خیلی اثر می‌گذارد. مثلاً باید بین نرخ مالیات و مبلغ مالیات صورت تطبیق بدیم تا مالیات انتقالی را بتوانیم افشا کنیم.

همچنین در صورت سود و زیان، عنوان «سهم اقلیت» اصطلاح درستی نبود که به «منافع فاقد حق کنترل» تغییر دادیم. از سال ۹۷ اتفاق خوبی که در سود و زیان جامع افتاده است، این است که ما باید اقلام سود و زیان جامع را به دو طبقه بشکنیم. آنهایی که ایجاد تعدیلات یا تجدید طبقه‌بندی برای ما می‌کنند و آنهایی که نمی‌کنند. آنهایی که در آینده به صورت سود و زیان بر می‌گردند و آنهایی که بر نمی‌گردند.

متأسفانه خیلی از دوستان این تغییر طبقه‌بندی را با تعدیلات سنواتی اشتباه

این عدد طبق قواعد استاندارد هست یا خیر؟ آیا ارائه یا افشای آن هم طبق استانداردها بوده است یا خیر؟ این یکی از چالش‌های حسابداران و حتی ممیزها هم است. اگر این مراحل انجام بشود ما صورت مالی بهتر و مطلوب‌تری ارائه خواهیم داد.

سارا کیانی: آقای آل حبیب به یک نکته قابل توجه اشاره کردند که در مرحله شناخت و یادگیری، سواد افراد کافی نیست. آقای باقرآبادی، انجمن حسابداران خبره ایران برای این قضیه چه راهکاری در نظر گرفته است؟

باقرآبادی: اتفاقاً یکی از اهداف و چشم‌اندازهای انجمن همین موضوع بوده است؛ یعنی بالا بردن سطح دانش فنی اعضا. الان در انجمن، کارهای خیلی خوبی انجام می‌شود. ما سال‌هاست که مرکز آموزش انجمن حسابداران خبره را داریم که در ایران شماره یک است و در کنار آن

ما هر ماه به‌طور متوسط ۲ الی ۳ کارگاه حرفه‌ای و تجربی توسط اساتید مجرب در حرفه حسابرسی و حسابداری برای اعضا به‌صورت رایگان توسط انجمن حسابداران خبره ایران برگزار می‌کنیم و تلاش داریم این خلأ را تا جای ممکن پر کنیم. همچنین مرتب از طریق فضای مجازی، فیلم‌های آموزشی منتشر می‌کنیم و در اختیار اعضای انجمن قرار می‌دهیم.

سارا کیانی: نکته دیگری که آقای آل حبیب به آن اشاره کردند این بود که چه تدابیری برای شرکت‌های کوچک که شاید نه حسابرس و نه مشاور دارند در نظر گرفته‌اید؟

باقرآبادی: این در حوزه اختیارات و وظایف انجمن نیست که بخواهیم نظارتی بکنیم یا فردی را به شرکت‌ها معرفی کنیم. ما سعی می‌کنیم با افزایش دانش، شرکت‌ها را در مسیر درست قرار دهیم.

آل حبیب: مدارک حرفه‌ای cfo (مدیر مالی خبره) و cfa (حسابدار مالی خبره) و cfo (مدیر مالی خبره) و crm (مدیر ریسک خبره) که توسط انجمن حسابداران خبره ایران اعطا می‌شود، می‌تواند برای شرکت‌های کوچک و متوسط خیلی مؤثر باشد. افراد با افزایش دانش و کسب تخصص در این حوزه‌ها می‌توانند شرکت‌های کوچک و متوسط را در مسیر درست قرار بدهند.

سارا کیانی: آقای محبوب به نظر شما مهم‌ترین تغییرات و نکات قابل توجه در تهیه صورت سود و زیان دوره و جامع چه مواردی هستند؟

محبوب: ابتدا باید راجع به تفاوت میان واقعیت و استانداردهای مصوب شده بحث کنم؛ در واقعیت هیچ تغییری نکرده است. دوستان گفتند آذر ۱۳۹۷ بود که شروع تغییرات استانداردها اتفاق افتاد.



استاندارد جدید، دیگر بایستی در انجام این کار وجود ندارد و شرکتها می‌توانند بر حسب کارکرد یا ماهیت، صورت سود و زیان را ارائه کنند. دیگر شرکتها الزامی ندارند که بهای تمام شده را در صورت سود و زیان محاسبه کنند. دوستان در سازمان حسابرسی برای صورت مالی نمونه مؤسسه دیلویت را ترجمه کرده‌اند. در نمونه دیلویت جالب است که صورت سود و زیان بر حسب ماهیت ارائه شده است و دیگر قیمت تمام شده را ارائه نمی‌کند.

صورت مالی نمونه یک سمپل و الگو است و به هیچ عنوان جنبه لازم‌الاجرای ندارد ولی می‌بینیم که کنترل کیفیت جامعه حسابداران رسمی، سازمان حسابرسی، حسابرس همه، صورت مالی نمونه می‌گذارند و می‌گویند هر کس این افشاها را انجام ندهد، اشتباه کرده است و بعد به هیئت انتظامی ارسال می‌شوند به این دلیل که صورت مالی نمونه رعایت نشده است.

این تغییرات به خودی خود خوب است ولی وقتی شرایط اجرای آن در نظر گرفته نشده است عملاً بی‌استفاده هستند.

باقرآبادی: در راستای تأیید فرمایش دوستان، در بند ۵۹ همین استاندارد ۱ خود ما، به زبان ساده بیان شده است که هیچ ترتیب و شکلی الزامی نیست. باید اصول و حداقل‌هایی را که خواسته شده است اجرا کنید و به هر روشی می‌خواهید پیاده کنید. این مهم است که ما ظرفیت استفاده‌کننده را در نظر بگیریم و آن فردی که می‌خواهد استفاده



است چون شرایط اجرایی استاندارد در نظر گرفته نشده است؛ به عنوان مثال سازمان حسابرسی تصمیم گرفته است استاندارد درآمدهای ما را که استانداردهای ۳ و ۹ و ۲۹ است تغییر دهد و ifrs15 را جایگزین آن کند اما این موضوع را در نظر نمی‌گیرد این برای شرکتها بار سنگین مالیاتی دارد و تدوین این استانداردها تبعات بسیار سنگینی برای شرکتها دارد در نتیجه ما یک سال استانداردها را اجرا می‌کنیم و بعد به مشکل برمی‌خوریم و موقتاً آنها را مثل استاندارد ۱۵ سرمایه‌گذاری‌ها باطل می‌کنیم. در مورد استاندارد ۱، یکی از تغییرات این بود که طبق استاندارد واحدهای تجاری باید صورت سود و زیان را بر حسب کارکرد و اجزای آن را بر حسب ماهیت ارائه کنند. این یعنی قیمت تمام شده کالای فروش رفته ارائه بشود و ریز آن که مواد دستمزد سربار است را در صورت‌های مالی افشا بکند و همه ملزم به انجام این کار هستند. طبق

استانداردهای ۱، ۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ عوض شد. در استاندارد ۱ یکی از حداقل اقلامی که ارائه شده است، دارایی‌های مالی و بدهی‌های مالی است که به موجب استاندارد ۳۶ است. آیا صورت مالی را می‌شناسند که دارایی مالی و بدهی مالی ارائه کنند؟

باقرآبادی: مشخص است که رعایت نمی‌شود اما آقای محبوب یک اتفاق خیلی بد دیگر افتاده است؛ آن هم این که در بحث افشای ریسک یک پاراگراف ثابت را همه شرکتها کپی می‌کنند. محبوب: آن هم آفت صورت‌های مالی نمونه است. من یکی از مخالفان صورت‌های مالی نمونه و تغییر استانداردهای حسابداری هستم. تغییراتی در استاندارد ۱ اتفاق افتاده است که تغییرات جذابی هم است اما یک چیز به اسم صورت مالی نمونه آمده است که همه این تغییرات را تحت‌الشعاع قرار داده

کند این اطلاعات برایش مفید باشد.

هدایتی: استفاده‌کننده ما در خیلی از جاها دارایی و بیمه هستند. یک معضل بزرگ‌تر این است که قوانین را خیلی جاها به استانداردها ارجح می‌دانیم و براساس قوانین، حسابداری می‌کنیم. درست است که قوانین لازم‌الاجرا هستند و باید رعایت بشوند اما نباید مطابق آن حسابداری انجام شود. برای مثال ما از سال ۱۳۸۰ استاندارد ۱۱ را داریم که در ارتباط با بحث استهلاک است اما چه کسی به‌درستی آن را رعایت می‌کند؟ استاندارد ۲۰ ساله ما به خاطر ماده اجرایی ۱۴۹، اجرا نمی‌شود. به نظر من تغییرات استاندارد حسابداری اگرچه خیلی خوب بود اما برای محیط‌های

اقتصادی و استفاده‌کنندگان تجاری، هزینه‌اش بیشتر از منفعتش بوده است.

محبوب: ببینید، ما استانداردهای بین‌المللی را ترجمه می‌کنیم و هر جایی از آن را دوست نداریم حذف می‌کنیم؛ بدون توجه به این که همه به هم مرتبط هستند. شما یک لینک را که بهم بزنید تمام این زنجیره قطع می‌شود. یک سؤال خیلی مهم در مورد صورت جریان باید مطرح شود که صورت جریان چرا با سود خالص شروع بشود و چرا با همان سود عملیاتی شروع نشود؟ پاسخ خیلی واضح است و آن این است که استاندارد ۱ اجازه داده است که صورت سود و زیان را بر حسب ماهیت ارائه کنیم. وقتی صورت سود و زیان بر

حسب ماهیت ارائه شود شرکت دیگر سود عملیاتی ندارد. سود خالص را همه دارند و الزاماً سود عملیاتی را همه ندارند. چون اگر در صورت جریان می‌گفت فرایند عملیاتی و سود عملیاتی، با استاندارد ۱ در تضاد بود. به همین دلیل با سود خالص شروع می‌شود و می‌بینید که اینها همه با هم مرتبط هستند.

هدایتی: البته این مشکل از اینجا نشأت می‌گیرد که خود ما حسابداریها استانداردها را درست نخوانده‌ایم چون هزینه فکر کردن در ایران پایین است. حتی وقتی می‌خواهند برای آزمون‌های حرفه‌ای سؤال طراحی کنند، از سؤالات خارجی استفاده می‌کنند. این سؤال باید مطرح شود که فردی که



از دید مؤسسه حسابرسی آمده صورت نمونه داده است. حالا برمی گردیم سر خانه اول؛ یک مؤسسه حسابرسی چرا باید استاندارد تدوین کند؟ این خودش یک چرخه معیوب است که در آن گیر می کنیم.

کاظم زاده: جامعه حسابداران رسمی، شاید بتواند یک صورت مالی نمونه بدهد که منطبق بر استاندارد باشد و آن آزادی عمل که در استاندارد هست را به ما بدهد.



سارا کیانی: آقای کاظم زاده بفرمایید مهم ترین نکات صورت جریانات نقدی، چه نکاتی هستند؟

کاظم زاده: استاندارد ۲، سال ها ۳ طبقه بود اما ما به خاطر نقش دولت آن را ۵ طبقه کرده بودیم. فکر می کردیم اگر طبقه مالیات جدا باشد، دولت خیلی چیزهای زیادی را متوجه می شود. یا طبقه ۲ قدیم که فرعها مثل سود بهره و سود سهام و... را جدا می کردیم. یکی دیگر از تغییراتش این بود که در تعریف وجه نقد، معادل وجه نقد هم آمد. ما در ایران معادل وجه نقد نداشتیم. معادل وجه نقد برای رفع تعهدات کوتاه مدت، منطقی سه ماهه برنامه ریزی شده است. مثلاً شرکت می خواهد آخر سال، سنوات و عیدی بدهد و بتواند این پول را جایی بگذارد که در واقع سه ماهه بتواند از این سود استفاده کند. حرف این است که تغییر نوسان آن نباید خیلی زیاد باشد. همچنین در سکه و طلا و صندوق های

صورت های مالی نمونه باشد. اگر بخواهیم خلاف این عمل کنیم خود مؤسسه زیر سؤال می رود چون فکر می کنند این صورت های مالی نمونه لازم الاجراست. در حالی که بند ۵۹ گفته الزام نیست اما ما اگر این کار را انجام دهیم باید به تمامی ارگان ها پاسخگو باشیم. اگر بخواهیم جمع بندی کنم ما می خواهیم این قدرت عمل را از مشتری بگیریم.

سارا کیانی: من احساس کردم بین همین حرف ها تناقض هایی وجود دارد. اینکه استاندارد، فرمت خاصی را الزام نکرده است و اینکه حسابرس ها جهت ثبات رویه از یک شکل ثابت استفاده می کنند.

محبوب: ببینید تدوین کننده استاندارد نمونه داده است. هیچ جای دنیا نهاد تدوین کننده استاندارد، صورت مالی نمونه نمی دهد. این کار مؤسسات حسابرسی بزرگ است. حالا یک سری از عزیزان می گویند سازمان حسابرسی هم خودش یک نهاد حسابرسی است.

می خواهد صورت مالی تهیه کند چقدر به استانداردهای مالی مسلط است؟ در حالی که حسابرس ها هم خیلی مسلط نیستند، آنها هم دنبال چهارچوبی هستند که بتوانند فعالیت کنند.

کاظم زاده: من موافقم که استانداردهایی که تهیه کردیم با صورت های مالی نمونه در تضاد است. متأسفانه یا خوشبختانه سازمان حسابرسی، تدوین کننده استاندارد است اما الزامی به ارائه صورت مالی نمونه ندارد ولی وقتی صورت مالی نمونه ارائه می شود ما هم به عنوان حسابدار، یک صورت مالی نمونه داریم که فکر می کنیم خودش استاندارد است. به خاطر همین فرض می شود که این وحی منزل است. من می بینم این استانداردها از سال ۹۷ عوض شده اند ولی اکثر مدیران مالی با سابقه کار ۱۵ الی ۱۶ سال به بالا و کارکنان جدیدشان به روز نشده اند. ما مؤسسات مجبوریم کارکنان را به روز کنیم و حواسمان باشد که اشتباهی نکنیم؛ برای همین سعی می کنیم در قالب همین

یا محتوایی هستند. که در ایران عموماً شکلی هستند و خیلی در تحلیل تأثیری نمی‌گذارد.

سارا کیانی: آقای پورعلی شما از یک شرکت نرم‌افزاری اینجا بین اساتید مالی حضور دارید. این همه راجع به تغییرات صحبت شد و تغییراتی که زیاد هم

فهم را فراهم کنیم که تصمیم‌گیرندگان ما مثل پزشکان، مهندسان و... بتوانند استفاده کنند. پس رسالت ما در تجزیه و تحلیل این زبان تحلیل است. پس ما نیاز داریم یک گزارش تهیه کنیم که این گزارش قابل فهم عامه باشد. تغییراتی که در استانداردها به وجود آمده است، اساساً دو دسته هستند یا شکلی

سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت هم که تغییرات ناچیز هست می‌توانیم این کار را بکنیم. دومین تغییر در مورد طبقه بود. ما از ۵ طبقه به ۳ طبقه رسیدیم که همان طبقه‌های عملیاتی و سرمایه‌گذاری و تأمین مالی هستند. طبقه عملیاتی ما قبلاً با سود عملیاتی شروع می‌شد، حالا آن را با سود خالص شروع می‌کنیم.

سارا کیانی: آقای ابراهیم‌زاده، تغییر صورت‌های مالی در فرایند تجزیه و تحلیل مالی هم آیا تأثیرگذار بوده است؟

ابراهیم‌زاده: ما حسابدارها می‌آییم براساس اصول حسابداری، مفروضات حسابداری، میثاق‌های حسابداری، استانداردهای حسابداری و براساس تعریف حسابداری، اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنیم، طبقه‌بندی می‌کنیم و تلخیص می‌کنیم و یک گزارش تهیه می‌کنیم که چکیده اتفاقات یک سازمان و نتیجه عملکرد یک سال مالی است. خیلی هم دوست داریم ۴۲ استاندارد را رعایت کنیم اما اگر حسابدارها همه این موازین را رعایت می‌کنند، آن گزارش که هدفش تصمیم‌سازی است رعایت شده است؟

حلقه مفقوده مدیریت و حسابداری که به کارساز شدن استانداردها کمک می‌کند، تبدیل شدن آن به گزارشی است که قابلیت تصمیم‌گیری داشته باشد. حالا در ارتباط با گزارش تحلیلی، که ما به کمک تحلیل اطلاعات موجود در صورت‌های مالی، ساده و با گراف، اطلاعاتی عامه





هستند. حالا می‌خواهیم بدانیم که اثرات این تغییرات در نرم‌افزارها به چه صورت پیش می‌رود و چه کار می‌کنید؟

پورعلی: سؤال، سؤال خیلی دقیقی است. خیلی از دوستان و مشتریان از من می‌پرسند که این تغییراتی که در استانداردها هست اثراتش در نرم‌افزار چیست و نگرانی داشتند از این بابت که کدینگشان آماده تغییر استاندارد نیست یا سیستم‌های عملیاتیشان این آمادگی را ندارد که بخواهند این استانداردها را پذیرا باشند. به هیچ وجه این مدلی نیست تغییراتی که در حال حاضر انجام می‌شود، عمدتاً تغییرات استاندارد هست که در نحوه گزارش‌گری ما اثر می‌گذارد و اگر ما رویکرد مؤثری داشته باشیم و دقیق ببینیم عملاً در کاربرگی تهیه صورت‌های مالی ما از لحاظ سیستماتیک این تغییرات اتفاق می‌افتد. طبقه‌بندی که بین حسابها داریم اینکه هر حسابی را کجا بگذاریم، چطور نمایش بدهیم، یک مقدار دستخوش تغییرات شده است. ما در تهیه صورت‌های مالی به نوعی اعداد را آرایش می‌کنیم و برای ذینفعان براساس استانداردها آنها را قابل

نمایش می‌کنیم. فقط با توجه به این استانداردها ممکن است این تغییر انجام شود مگر اینکه استاندارد باشد که بر روی نحوه اندازه‌گیری تأکید داشته باشد که بر روی ثبت اسناد ما و چگونگی آن ثبت‌ها می‌تواند اثرگذار باشد و نیاز باشد سیستم‌های عملیاتی و نحوه ثبت کاربران یا حتی حساب‌های جدید بتواند آنجا خودش را نشان دهد.

پس می‌توانیم بگوییم سیستم هرچقدر خوب باشد در ارائه و اجرا و افشا نمی‌تواند دخل و تصرفی داشته باشد. موضوعاتی که عرض کردم در مورد سیستم‌های عملیاتی و سیستم‌های حسابداری سازمان از جمله قسمت‌های مختلف یک سازمان مثل حقوق دستمزد، فروش، تدارک و لجستیک و حسابداری مدیریت است اما قاعدتاً وقتی نرم‌افزار صورت مالی وجود دارد که در تهیه صورت‌های مالی به ما کمک کند باید از تغییرات حتی شکل گزارش‌گری صورت‌های مالی نیز پشتیبانی کند.

سارا کیانی: آقای باقرآبادی به نظر شما جایگاه سرمایه‌گذاری در املاک در استانداردها و صورت‌های مالی به چه

صورت است؟

باقرآبادی: یکی از چالش‌هایی که برای شرکت‌ها و حسابرس‌ها مشکل ایجاد کرده است همین است. در استاندارد شماره یک در حداقل الزامات صورت وضعیت مالی یا همان ترازنامه، یک آیتم به نام سرمایه‌گذاری در املاک آورده شده است. همانطور که از اسمش پیداست، حداقل است؛ یعنی باید سرمایه‌گذاری در املاک را به صورت جداگانه در ترازنامه یا صورت وضعیت مالی نمایش داد. وقتی این استاندارد منتشر شد، سؤالات مهمی برای حسابداران و حسابرسان ایجاد شد که سرمایه‌گذاری در املاک چیست و چه تعریفی دارد؟ نحوه اندازه‌گیری و افشای آن به چه صورت است؟ ولی در واقع ما اصلاً استاندارد بابت سرمایه‌گذاری در املاک نداریم. البته در استاندارد ۳۴ که هم‌زمان با استاندارد شماره ۱ منتشر شد در بند ۹، ۱۰ و ۱۱ راهکارهایی برای این قضیه ارائه می‌کند. در مواردی که به مسئله‌ای برخوردید که استاندارد در مورد آن ندارید، راهکار این است که سه گام را طی کنید:

گام اول: استانداردهای مشابه را شناسایی

کنید.

گام دوم: در چهارچوب گزارش‌گری مالی ببینید از مفاهیمی که برای عناصر صورت‌های مالی تعریف شده است می‌توانید برداشتی انجام دهید یا خیر. گام سوم: در دنیا ببینید چه کسی چهارچوب نظری مشابه شما دارد و ببینید او چه کاری انجام داده است و شما هم همان کار را بکنید.

ما پس از طی اجباری این سه مرحله به IAS 40 که یک استاندارد بین‌المللی بود، رسیدیم. در سال ۱۳۹۸ خیلی از شرکت‌های ما برای حسابداری سرمایه‌گذاری در املاک به اشتباه از استاندارد ۱۵ استفاده می‌کردند. طبق استاندارد شماره ۱۵ سرمایه‌گذاری در املاک را به بهای تمام شده‌ای ثبت می‌کردند که فقط کاهش ارزش دائمی از آن کسر می‌شد و در صورت مالی نمونه هم همین کار را می‌کرد. یک موضوع خیلی مهم دیگر که در گزارشات سال ۱۴۰۰ مشاهده می‌شود بخش افشای این موضوع است. که در این مورد استاندارد IAS 40 به ما دو گزینه می‌دهد:

- ۱- سرمایه‌گذاری در املاک را با ارزش منصفانه ارائه کنید. (ما بنا به دلایلی در ایران سمت ارزش منصفانه نمی‌رویم)
- ۲- اگر نتوانستید از روش بالا بروید می‌توانید از بهای تمام شده استفاده کنید. بهای تمام شده‌ای که به کسر استهلاک انباشته و کاهش ارزش انباشته باشد.

اما یک نکته مهم در اینجا مطرح است که در ایران تقریباً همه از روش بهای تمام شده استفاده می‌کنند یعنی سرمایه‌گذاری در املاک را از دارایی‌های

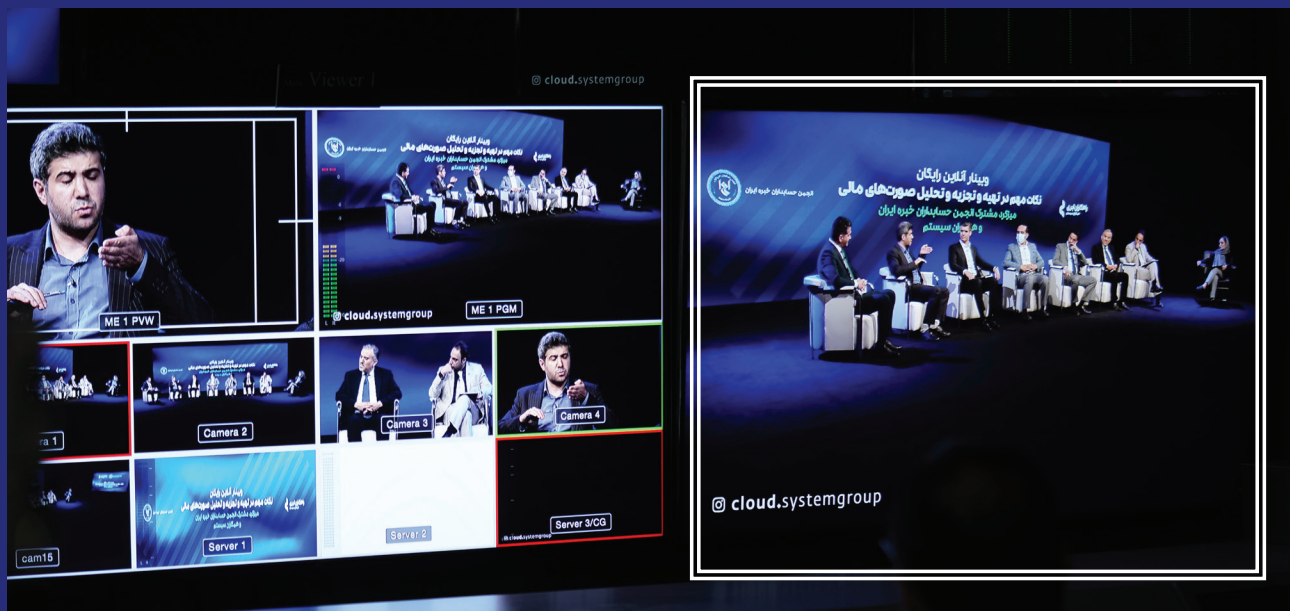
ثابت خارج کرده‌اند و به بخش دارایی‌های جاری برده‌اند اما استاندارد ملزم می‌کند که در صورت انجام این کار، باید یک سری افشای عمومی شامل صورت تغییرات اول دوره، پایان دوره، گردش و اینها را ارائه کنید و مهم‌ترین بخش آن این است که می‌گوید ارزش منصفانه آن را افشاء کنید. استاندارد IAS 40 در این زمینه می‌گوید در صورتی که نمی‌توانید ارزش منصفانه را افشاء کنید، بگویید چرا قادر به انجام این کار نیستید و محدودیت کجاست؟ املاک معمولاً بازار دارند و قابل قیمت‌گذاری هستند و حداقل یک بازه قیمتی می‌توانید برای آن اعلام کنید. اغلب صورت‌های مالی منتهی به ۱۴۰۰، شامل این افشاء نیست. ما یک استاندارد خیلی خوبی داریم ولی عملاً در حال انجام کار دیگری هستیم.

سارا گیانی: آقای هدایتی لطفاً بفرمایید استاندارد صورت‌های مالی ما چند درصد شبیه IFRS شده است و اینکه هنوز چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

سه استاندارد مهم در بحث ابزارهای مالی عبارتند از IAS 32، IFRS 7 و IFRS 9 که ما استاندارد ۳۷ را معادل و متناظر IFRS 7 مصوب کردیم. استاندارد ۳۶ را نیز معادل IAS 32 داریم ولی مکمل این دو استاندارد یعنی IFRS 9 را نداریم. معمولاً افشائات ۱۰، 9 و IFRS 9 در یک جدول افشاء می‌شوند. ما حتی IFRS 13 را با شماره استاندارد ۴۲ مصوب کردیم و آن را از سال ۱۴۰۰ لازم‌الاجرا کردیم ولی هنوز خبری از استاندارد مرتبط با اندازه‌گیری ابزارهای مالی نیست.

ما استاندارد IFRS 16 که برای اجاره‌ها است را نیز در ایران نداریم. تقریباً در دنیا تمامی اجاره‌ها را دارایی و بدهی آن را در صورت وضعیت مالی نشان می‌دهیم اما در ایران بایستی اینها را از نوع اجاره سرمایه‌ای و عملیاتی آن را تفکیک کنیم که یک سری مشکلات ایجاد می‌شود. افشائات پایداری نیز یکی از تفاوت‌های استاندارد بین‌المللی با ایران است. اینها مواردی بود که به ذهن بنده می‌رسید.





باقرآبادی: من هم یک نکته اضافه کنم. ما یک استاندارد بین‌المللی دیگری نیز داریم که در ایران نیست، آن هم IAS29 است. گزارش‌گری در شرایط تورم حاداً

آقای کاظم‌زاده: یک مورد در تأیید فرمایش جناب هدایتی، در دنیا صورتهای مالی اصلاً به شکل ما ارائه نمی‌شود. ما در ایران، صورتهای مالی ۱۵ صفحه‌ای داریم. صورت مالی یک پکیج است. شرکتی مثل بنز صورتهای مالی ۲۰۰ صفحه‌ای دارد. مشکل ارائه صورت مالی در ایران از اینجا ناشی می‌شود که بسیاری از شرکتها تمایل به افشای اطلاعات ندارند.

سارا کیانی: آقای آل حبیب به نظر شما با توجه به استاندارد ۴۳ فرایند پیمانکاری، حسابداری صورتهای مالی شرکت‌های پیمانکاری چه تغییری می‌کند؟

آقای آل حبیب: ما همین الان سه روش برای حسابداری پیمانکاری داریم. ۱- سود صفر، ۲- کار تکمیل شده، ۳- درصد پیش‌رفته. یکی از چالش‌های اصلی شرکتها بحث مالیاتی و قبول کردن یکی از این روش‌هاست. در مالیاتی روش درصد پیشرفت کار را قبول دارد. چرا روش سود صفر را قبول نمی‌کنیم؟ در استاندارد IFR15 یا ۴۳ هم دقیقاً ما این روش سود صفر را داریم. دنیا می‌گوید شما سال‌های اولیه که در حال انجام یک کار عظیم برای مثال ساختن سد هستید، نمی‌توانید همه چیز را برآورد کنید و نمی‌دانید این کار سودده هست یا خیر؟ اما سازمان مالیاتی با این مشکل دارد.

در استاندارد ۴۳ همین مسئله را بازتر می‌کند. اینکه می‌گویند ما در حسابداری پیمانکاری زیاد تفاوت نداریم تا موضوع مالیاتی استاندارد ۴۳ برطرف نشود، کاملاً اشتباه است و تا زمانی که چالش‌های

استاندارد ۴۳ برای شرکت‌های پیمانکاری برطرف نشود، پیاده‌سازی این استاندارد کار بسیار اشتباهی است. سازمان حسابرسی باید تفسیر وسیعی برای شرکت‌های پیمانکاری قرار دهد. اگر بحث مالیاتی شرکت‌های پیمانکاری حل نشود آنها دچار مشکلاتی بیشتر از وضعیت فعلیشان خواهند شد.

سارا کیانی: آقای محجوب شما می‌توانید بگویید تغییرات صورت گرفته در صورتهای مالی تلفیقی چه مواردی هستند؟

آقای محجوب: فرق ترکیب تجاری و تلفیق این است که شما در ترکیب تجاری اقدام به خرید یک شرکت می‌کنید و در تلفیق شما سهام را می‌خرید و به واسطه آن که کنترل آن شرکت را به دست گرفته‌اید صورت مالی تلفیقی تهیه می‌کنید. مثلاً این گوشی

در بازار به قیمت ۵۰ میلیون تومان عرضه می‌شود و من به واسطه اینکه دکتر آل حبیب موبایل فروشی دارد، می‌توانم از ایشان ۴۰ میلیون تومان گوشی را بخرم. طبق استاندارد قبلی ما یک دارایی به مبلغ ۴۰ میلیون تومان شناسایی کرده‌ایم و پولی هم به ارزش ۴۰ میلیون داده‌ایم اما در استاندارد می‌گوید ارزش منصفانه آن را ۵۰ میلیون شناسایی کنید و پولی که شما داده‌اید ۴۰ میلیون تومان است. مابالتفاوت آن، سود خرید کمتر از قیمت است. این در IFRS3 است اما در ایران اولین بار است که هنگام خرید سود شناسایی می‌شود. که این سود می‌تواند ناشی از قدرت چانه‌زنی شما باشد. این یکی از تغییرات مهم است که ما در استانداردهای قبلی آن را سود شناسایی نمی‌کردیم بلکه می‌آمدیم آن را صرف کاهش ارزش منصفانه دارایی‌ها می‌کردیم. در مورد معامله مالکانه آن هم فقط در صورت‌های مالی تلفیقی تغییری داریم. در صورت مالی جداگانه ما کاری به این مسئله نداریم. فرض کنید شما ۹۰ درصد از سهام یک شرکت را تحصیل کرده‌اید. حالا شما سال بعد ۱۰ درصد از آن را می‌فروشید ولی باز هم بر شرکت کنترل دارید. به این معامله، معامله مالکانه می‌گویند. معامله مالکانه معامله‌ای است که شما سهام شرکت فرعی را بخرید یا بفروشید و هم‌چنان کنترل داشته باشید. ما در معاملات مالکانه حق شناسایی سود و زیان را نداریم. یک نکته کوچک دیگر نحوه محاسبه سرقتی است. در استاندارد قدیم ما سرقتی را تنها به اندازه سهم شرکت اصلی

شناسایی می‌کردیم و الآن می‌توانیم از روش ارزش منصفانه استفاده کنیم که سرقتی را برای سهم اقلیت نیز شناسایی کنیم. در واقع سرقتی عدد بیشتری شناسایی می‌شود و حقوق سهامداران فاقد حق کنترل، به همان اندازه عدد بزرگ‌تری را نشان می‌دهد. این سه تغییر عمده در صورت‌های مالی تلفیقی است.

سارا کیانی: مرسی، آقای ابراهیم‌زاده مهم‌ترین مواردی که باید در تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی مد نظر داشته باشیم چه مواردی هستند؟

آقای ابراهیم‌زاده: تجزیه و تحلیل، میزان انعکاس واقعیت اقتصادی یک شرکت از طریق ارقام حسابداری است. یعنی موضوع تورم اینجا خودش را نشان می‌دهد. نسبت‌های مالی که همه با آن آشنا شدیم، وحی منزل نیست. می‌تواند

به فراخور کسب و کار که در آن مشغول فعالیت هستیم، نسبت‌های جدیدی تهیه شود زیرا قرار است ما از آن گزارش تصمیم‌ساز استخراج کنیم. نسبت‌ها به‌تنهایی معنا ندارند. ما ۴ الی ۵ گروه نسبت‌های مالی داریم که در کنار هم معنا پیدا می‌کنند. برای مثال سود خالص شرکتی صد میلیون تومان است، فروش آن ۵۰۰ میلیون تومان است. در نگاه اول همه می‌گویند سود خالص ۲۰ درصد است اما رابطه‌های دیگری نیز در نسبت‌های سودآوری یک شرکت تأثیرگذار است که شاید آن سود نتیجه یک تسعیر ارز یا فروش یک ضایعات باشد. پس ما گروه‌های مختلف نسبت‌ها را باید در کنار هم قرار دهیم تا بتوانیم آنها را مقایسه کنیم.

مقایسه کردن خرید، فروش، حتی حقوق و دستمزد سال ۱۴۰۰ با سال ۱۴۰۱ خیلی منطقی نیست. بهترین راه حل



برای رفع اثر تورمی از صورت‌های مالی، باید همگن‌سازی انجام دهیم.

سارا گیانی: تفاوت طبقه‌بندی هزینه‌ها در صورت سود و زیان به چه شکل است؟

آقای محجوب: همان بحث ماهیت و کارکرد است؛ مثلاً شما ۴ ساختمان دارید که شامل یک ساختمان تولید و سه ساختمان اداری است. استهلاك ساختمان تولید در بخش بهای تمام شده و استهلاك ساختمان‌های اداری در بخش هزینه‌های اداری می‌آید. بر حسب ماهیت می‌گویید کل این هزینه‌های استهلاك، تحت عنوان هزینه استهلاك در صورت و زیان شما می‌نشیند. اگر شما بر حسب کارکرد بروید هزینه‌هایتان را بسته به اینکه هزینه‌های تولید است در بخش قیمت تمام شده می‌رود و اگر هزینه‌های اداری

است در بخش هزینه‌های عمومی و اداری می‌نشیند و اگر هزینه بازاریابی است، در قسمت هزینه‌های بازاریابی و فروش جای می‌گیرد. در ماهیت تمام اینها فارغ از نوع هزینه تحت عنوان خودش دسته‌بندی می‌شود. این تفاوت طبقه‌بندی ماهیت و کارکرد است. استاندارد جدید هر دو را مجاز می‌داند اما صورت مالی نمونه فقط کارکرد را مجاز می‌داند.

سارا گیانی: شرکت‌های پخش اساساً تعداد پرسنل و فرایندی که دارند، خیلی زیاد است. سیستم بهای تمام شده برای اینکه بگویید یک نفر چه هزینه‌ای برای هر پروژه‌ای داشته است بسیار سخت است.

آقای باقرآبادی: استاندارد همانطور که فرمودند، بین ماهیت و کارکرد حق

انتخاب داده است اما نوشته شده است آن روشی را انتخاب کنید که اطلاعات آن مربوطتر و قابل اتکاتر باشد. حالا جامعه حسابداران رسمی ایران یک پرسش و پاسخ فتی دارد که می‌گویند برای شرکت‌های تولیدی حتماً کارکردی بروید و شرکت‌های خدماتی را می‌توانید انتخاب کنید.

آقای محجوب: استاندارد، صراحتاً می‌گوید روشی که بر حسب کارکرد است اطلاعات مربوطتر ارائه می‌کند و روشی که بر حسب ماهیت است قابل اتکاتر است. توازن بین مربوط بودن و قابل اتکا بودن را باید برقرار کنیم. شرکت تولیدی که سیستم قیمت تمام شده و نرم‌افزار ندارد و در حال محاسبه اشتباه بهای تمام شده است، هیچ الزامی ندارد که از اطلاعات گمراه کننده استفاده کند.

